

یک مدل رات و یارانه محسوب می شود که با هدف پخش ارزان کالا میان مردم اجرا می شود ولی در نهایت به دلیل واسطه گری و دلایلی این اتفاق نمی افتد.

سیاست های غلط بانک مرکزی اصلاح شود

قاسم رضائیان، عضو هیئت نمایندگان



اتاق ایران ضمن انتقاد از سیاست های بانک مرکزی در رفع تعهد ارزی صادرکنندگان، می گوید: سیاست رفع

تعهد ارزی باعث شده بازرگانان از روش هایی برای دور زدن این سیاست استفاده کنند. ما در بازار کشورهایمانند عراق، افغانستان، آذربایجان، تاجیکستان با ریل تجارت می کنیم. این کشورها به ما دلار نمی دهند. در چنین شرایطی چطور می شود برگشت ارز را به کشور انجام داد؟ براساس سیاست تعهد ارزی، ارز حاصل از صادرات باید در سامانه نیما عرضه یا به واردکننده انتقال داده شود که این امر به ضرر صادرکنندگان و به نفع واردکنندگان است.

رضائیان با تاکید بر اینکه قانون صادرات باید از قانون واردات جدا شود، ادامه می دهد: مادامی که واردات و صادرات را در یک مقوله می آوریم، به صادرات آسیب می زنیم. به گفته او تداوم سیاست رفع تعهد ارزی به کاهش سرمایه گذاری در تولیدات صادراتی منجر شده و انگیزه صادرات را به دلیل سرکوب نرخ ارز از بین برده است. بنابراین سیاست های غلط بانک مرکزی باید در دولت آینده بازبینی شود تا شاهد افزایش صادرات کشور باشیم.

دولت آینده کلیت سیاست تعهد ارزی را بازنگری کند

رضا جعفری، عضو هیئت نمایندگان



اتاق ایران می گوید: سیاست رفع تعهد ارزی صادرات با کارت های رسمی را به سوی صادرات با کارت های غیررسمی یا

به عبارتی کارت های یکبار مصرف کشانده است. او می افزاید: اکنون بانک مرکزی با صادرکنندگانی مواجه است که با کارت های بازرگانی یکبار مصرف صادرات انجام داده اند اما ارز حاصل از صادرات را به چرخه اقتصادی بازنگردانده اند.

بانک مرکزی نمی تواند برای بازگشت ارز این بخش از صادرکنندگان، اقدامی مؤثر انجام دهد. به اعتقاد جعفری شیوه های رفع تعهد ارزی، تعلیق کارت های بازرگانی، وضع بدون منطق عوارض و بخشنامه هایی که به یکباره صادر می شوند، چالش هایی است که فرصت برنامه ریزی بلندمدت را از صادرکنندگان سلب می کند.

بر این اساس دولت آینده باید کلیت سیاست تعهد ارزی را بازنگری کند. بانک مرکزی می تواند با گسترش روش های بازگشت ارز به قیمت بازار آزاد و همچنین عدم اعمال قیمت دستوری و ایجاد قیمت در سامانه های مختلف، به سمت ارز تک نرخی حرکت کند و رات ارزهای زیر قیمت بازار را از بین ببرد. جعفری بیان می کند: در پی اجرای این سیاست، برخی از کارت های بازرگانی با مشکل رفع تعهد ارزی مواجه و در نتیجه به تعلیق درآمدند. در حال حاضر به دلیل عدم وجود روش قابل اجرای مناسب برای رفع تعهدات ارزی گذشته، صادرکنندگان با کارت معلق ناگزیر به عدم فعالیت و یا استفاده از سایر کارت ها برای صادرات هستند.

این مجموعه منجر می شود که هزینه های تولید گران تر شوند. افزایش نرخ ارز هم این چرخه را مستحکم تر می کند و هزینه های تولید را بالاتر می برد. هنگام تصمیم گیری برای سیاست های ارزی باید همه این نکات را در نظر داشت. کودکانه و ساده انگارانه است اگر بخواهیم بدون در نظر گرفتن این موارد صحبت از آزادسازی نرخ ارز کنیم. از سوی دیگر چنین مباحثی منجر می شود به اینکه محیطی مانند توسعه، مغفول واقع شود.

پس با این حساب، بحث درباره تعهد ارزی نیز در همین دسته جای می گیرد؟

کاملاً همین طور است؛ سیستمی که بخواهد تعهد ارزی به وجود بیورد باید توجه کند که قرار است بخش های دیگر اقتصاد را چگونه ساماندهی کند؟ براساس آن برنامه باید تصمیم گیری کرد. سیستم هایی مانند کره جنوبی، چین و ژاپن الگویی دارند که به آن دولت توسعه بخش یا دولت رفاه توسعه بخش می گویند این افراد مجموعه هایی را ساماندهی می کنند که تعهداتی می دهند و نسبت به آن تعهدات بخشایش مالیاتی یا حمایت هایی دریافت می کنند. شرکت ها باید تعهدات و گزارش دهند. مثلاً اگر حمایت مالی دریافت کردند، تعهد می دهند که نفوذ خود را در بازارهای جهانی افزایش دهند. یعنی در واقع پیشنهاد و سودی دوطرفه است. پیشنهادی مالی به شرکت داده می شود و شرکت ها هم تضمین می دهند. این گفت و مان باید در رسانه ها و اقتصاد کشور همه گیر شود. دولت باید از شرکت ها بخواهد که اثبات کنند حداقل در بازار ایران موفق خواهند بود یا خیر؟ یک سیستم کارآمد این گونه است.

یعنی کوچک و بزرگ بودن دولت در اینجا مطرح نیست؟

کارآمدی مطرح است. ایران از دولت چین بزرگتر نیست اما دولت چین کارآمد است و دولت ایران ناکارآمد است. دولت ایران از دولت آلمان کوچکتر نیست اما دولت آلمان کارآمد است. اقتصاد باید در ریل خود حرکت کند. بحث کوچک شدن و بزرگ شدن دولت، در روانشناسی اصطلاحاً گفتار درمانی نامیده می شود. یعنی مجموعه اقداماتی که تنها در سخن پدیدار می شود. به نظر می رسد اگر این اتفاق رخ ندهد، دولت با چالش مواجه می شود و نمی تواند از تحولات منطقه که تا حد زیادی به نفع ایران بوده است، بهره کافی را ببرد.

خواننده نمی شود. مهلوی همچنین تاکید می کند: بازار باید آزاد باشد و راه خودش را پیدا کند و در همین حین قانوناً و در حد معقول نظارتی نیز بر آن حاکم باشد اما نه به گونه ای که دستوری عمل و قیمت گذاری کند چرا که باعث ایجاد تنش و التهاب در بازار می شود. مهلوی با تاکید بر متفاوت بودن نرخ ارز برای تامین کالاهای قیمت گذاری شده تصریح می کند: در بخش تعیین قیمت ارز مؤلفه های بسیاری تاثیرگذار هستند که ناشی از سیاست گذاری دولت است و تاکنون در این زمینه کارساز و موفق نبوده اند. بخش اعظمی از التهاب های بازار ارز ناشی از عملکرد غیرکارشناسی شده درگاه های داخلی است. او معتقد است که مدیریت نرخ ها و سرکوب قیمت ها در یک سیکل معیوب قرار گرفته است که به آشفتگی در بازار دامن زده و موجب افزایش تورم می شود.

جلوی رانت قیمت گذاری را بگیرد

وحید فولادگر، عضو هیئت نمایندگان



اتاق ایران معتقد است که با وجود تصویب لایحه برنامه هفتم در آبان ۱۴۰۲ سیاست قیمت گذاری دستوری همچنان بر بخش خصوصی سایه انداخته بود. طبق این مصوبه، به منظور دستیابی به رشد اقتصادی و کاهش تورم و همچنین توسعه اشتغال و کمک به بخش خصوصی، قیمت گذاری دولتی به استثنای کالاهای اساسی یارانه ای و کالاها و خدمات انحصاری و عمومی ممنوع است اما این تبصره نیز تاکنون نتوانسته به خوبی نقش مستقل بازار در تعیین قیمت ها را به رسمیت بشناسد. او می گوید: سیاست قیمت گذاری سیاست درستی نیست ولی بعضاً ادعایی که از طرف دولت مطرح می شود بدین صورت است که کالاهایی که یارانه ای هستند باید از سوی دولت تعیین قیمت شود و عرضه و تقاضا نباید ملاک باشد. شاید این استدلال در مورد برخی کالاهای اساسی درست باشد اما کالاهای دیگر که از یارانه برخوردار نیستند هم با همین بهانه تحت فشار قیمت گذاری قرار می گیرند. فولادگر درباره قیمت گذاری دستوری ادامه می دهد: بحث یارانه ها که برای کاهش هزینه های تولید به میان آمده، باید کم حذف شود و این یارانه ها باید به مردم داده شود و حوزه های محروم و بخش های آسیب پذیر را تحت پوشش خود قرار دهد. باید اجازه دهیم تا قیمت ها را عرضه و تقاضای بازار تعیین کنند. عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران با عنوان بی ثمری قیمت گذاری دستوری تصریح می کند: عموماً کالای تولیدکنندگان بخش های دولتی و نیمه دولتی که به ارزهای نیمایی دسترسی دارند نیز با قیمت آزاد در دسترس عموم مردم قرار می گیرند و معمولاً دلان و سودجویان از تفاوت قیمت به وسیله واسطه گری، بهره می برند. بنابراین با اصلاح سیاست ها باید جلوی این رانت گرفته شود. فولادگر درباره راهبرد دولت آینده اظهار می کند: دولت آینده باید با سرعت بیشتری به سوی حذف یارانه ها در بحث تولید و هزینه تولید حرکت کرده و عمده توجه خود را به سمت اقشار آسیب پذیر و کم درآمد جامعه معطوف کند. دولت باید یارانه ها را با هدف توزیع عدالت اجتماعی در این بخش متمرکز کند تا بدین صورت مشکلات حوزه تولید حل شود و با متعادل شدن قیمت ها به مرور زمان تولیدکنندگان می توانند بالاخره وارد رقابت شوند. فولادگر راجع به قیمت گذاری ارزی عنوان می کند: این نوع قیمت گذاری نیز

که کره جنوبی با عجله ارز را تک نرخی کرد بحران جنوب شرق آسیا رخ داد که ممکن بود کل جهان را در خود فرو ببرد. این بحث های ابتدایی واقعاً باید عمیق بررسی شود. اینکه پرسیم ارز تک نرخی شود یا نه بحث تقییل یافته ای است که در حوزه عمومی رایج شده است. این علم اقتصاد نیست. اقتصاد توضیح می دهد که یک الگوی توسعه وجود دارد و باید براساس آن اقداماتی انجام داد. نرخ ارز و بقیه مسائل پولی و مالی باید براساس همین تعیین شود.

اگر بخواهیم کمی ملموس تر و کمتر انتزاعی بحث کنیم، به نظر شما بانک مرکزی و دولت جدید چه سیاستی باید در پیش بگیرند که هم رشد اتفاق بیفتد و هم اقشار فرودست جامعه آسیب نبینند؟ زیرا با آزادسازی نرخ ارز و اصلاح اقتصاد کشور اولین قشری که دچار ضرر و زیان می شوند، اقشار فرودست جامعه هستند.

به طور کلی نوسانات و عدم ثبات به همه بخش ها آسیب می زند. تنها صنایع رانتی و خود دولت از این شرایط منتفع خواهند شد. یعنی این نوسانات برای صنایع و شرکت های نوپا بسیار مضر است. همین نوسانات منجر شده که بخش مولد تمایلی به کار کردن نداشته باشد. این را از زبان خود و از نظر کارشناسی نمی گویم؛ اتفاق بازرگانی هم چنین موضعی دارد. عده ای به نام اقتصاددان می خواهند نماینده افرادی باشند که خودشان موضع دارند. زمانی که بخش مولد کشور جای پای خود را محکم نکند، نمی توان دست به چنین سیاست هایی زد. ماشین آلات پیشرفته که در ایران موجود نیست اما کارخانه ها به آن نیاز دارند را تصور کنید. وقتی بخش مولد ناتوان و کپتوان است قیمت ارز چگونه افزایش یابد؟ رشد بهره روری در ایران منفی است. بخش مولد نمی تواند ماشین آلات لازم را وارد کند و نیروی کار مولد و ماهر مهاجرت می کند.

اصرار بانک مرکزی

بر تداوم سیاست های

تثبیت نرخ ارز و ادامه

نرخ های ترجیحی

در شرایطی است که

همین دولت سیزدهم

در ابتدای کار آن را

تقیح می کرد و وعده

می داد که با یک

جراحی اقتصادی سفره

رانت خواری را جمع

می کند اما تنها کاری

که شاهد بودیم تغییر

قیمت ارز ترجیحی از

۴۲۰۰ تومان به ۲۸

هزار و ۵۰۰ تومان بود

و عملاً همان راهی که

دولت قبل رفته بود را

ادامه دادند

نمایندگان اتاق ایران، رضا جعفری، عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران و کمال اطهاری، اقتصاددان و پژوهشگر اقتصاد توسعه و رفاه گفت و گو شده که در ادامه می خوانید.

سیاست های بانک مرکزی تورم زاست

حمید مهلوی، عضو هیئت نمایندگان



اتاق ایران معتقد است که با روی کار آمدن دولت آینده در انتخابات پیش رو، سیاست های بانک مرکزی باید تغییر کند.

در غیر این صورت شاهد ضربه های سنگین به بدنه اقتصاد و تولید خواهیم بود. به پیشنهاد برخی از اعضاء اتاق های بازرگانی بهتر است بیش از گذشته به سیاست های بازار آزاد و کنترل حداقلی دولت بر بازار و قیمت گذاری ها توجه کرد. مهلوی درباره قیمت گذاری دستوری دولت عنوان می کند: اگر در رابطه با این سیاست ها شفاف عمل شود نتیجه های تاثیرگذار را می توان در زمینه های مختلف مشاهده کرد اما عملاً همین چیزی رخ نمی دهد و صرفاً توافق هایی که در رابطه با قیمت گذاری صورت می گیرند سبب ایجاد رانت می شوند. او اضافه می کند: قطعاً فعالیت های تجاری و بازرگانی به نظارت نیاز دارند ولی اعلام نرخ دستوری مخصوصاً برای واحدهای تولیدی رده بالا به این شکل صحیح نیست و عموماً این سیاست روش مناسبی در اقتصاد



دست دولت می رسد. به همین دلیل دولت مالیات می گیرد تا بتواند رانت را ادامه دهد. این دولت، سیاست هایی را در پیش گرفته که حتی مالیات گیری هم در آن به شکل فنوئالی است. سیاست های مالیاتی اصلاحی مایه دارانه نیست. بر همین اساس، شرکت های متوسط و کوچکی که زنجیره واقعی ارزش را تشکیل می دهند، ورشکسته و تعطیل می شوند. در عوض، شرکت های بزرگی که می توانند از رانت استفاده کنند مانند خودروسازان و پتروشیمی و امثال این شرکت ها، سود می برند. باز برمی گردیم به اینکه وقتی الگو برنامه ای برای توسعه کشور وجود ندارد و عده ای می خواهند به هر قیمتی جایگاه خود را حفظ کنند، حاضر می شوند به هر قیمت که شده این گونه از مردم مالیات بگیرند؟ مالیات ارزش افزوده از چه کسی اخذ شود؟ از افرادی که وجود ندارند و مسکنی که معامله نمی شود یا از خرید روزمره مردم؟

می توان گفت به دلیل چنین سیاست نادرست مالیاتی ای که فرمودید، در بخش کالاهای مصرفی و به خصوص مواد غذایی با تورم زیادی مواجه شدیم؟

بله به دلیل سیاست های مالیاتی است که تورم مواد غذایی بیشتر از تورم کل است. وقتی دولت از مایحتاج روزمره مردم مالیات کسر می کند، تورم این کالاهای نیز افزایش می یابد.

موضوعی که بانک مرکزی و دولت باید در برابر نرخ ارز بگیرد چیست؟

بحث نرخ ارز هم در حوزه عمومی تبدیل به امری زرد شده است. سوال دقیقاً شبیه به سوالاتی مانند «بازار خوب است یا بد» شده است. الگوی توسعه مهم است. بحث این قدر انتزاعی و دور از واقعیت های جامعه است که تنها منجر به سرگرمی می شود. بحث تک نرخی کردن ارز هم از این قبیل است. دولت و بانک مرکزی باید در چار چوب الگوی توسعه تصمیم گیری کند. زمانی

فعلان خصوصی



مهدی تقوی اقتصاددان درگذشت

مهدی تقوی، اقتصاددان و استاد بازنشسته اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه علوم تحقیقات، درگذشت. بسیاری از مدیران میانی و دو وزیر امور اقتصادی و دارایی از جمله شمس الدین حسینی، وزیر اقتصاد دولت احمدی نژاد از شاگردان او در دانشگاه بوده اند. کتاب های «انهادها و رشد اقتصادی» و «اقتصاد سیاسی بین الملل» از آثار مرحوم مهدی تقوی است.



کاهش ۱۲ تا ۱۵ درصدی فروش زعفران

طبیعی است که چنانچه راه حلی منطقی برای حل مشکل زعفران نداشته باشیم احتمالاً در ابتدا بازارها و حتی تولید را واگذار کنیم. محمدعلی رضایی، رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی ایران به ایننا گفت: براساس قانون عرضه و تقاضا هر قدر قیمت افزایش پیدا کند میزان تقاضا بیشتر می شود و بالعکس. با توجه به افزایش قیمت زعفران طی دو سال اخیر و همچنین سطح درآمد خانوارها میزان تقاضا و فروش داخلی زعفران به ۱۲ تا ۱۵ درصد از کل تولید کاهش یافته است. البته این ارقام تخمینی بوده و از میزان دقیق ارز میزان فروش داخلی اطلاعی در دست نیست اما کاهش مصرف داخلی کاملاً مشخص است.



بانک مرکزی ثبت سفارش تا باید نمی کند

در خصوص مباحث واردات و صادرات، اظهار وزارت صمت در تصمیم گیری های مربوط به ثبت سفارش و تصمیم گیری پیرو این مسائل در حوزه اختیارات بانک مرکزی قرار گرفته است. حمید حسینی، عضو اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق در گفت و گو با ایننا گفت: صدور و لغو این اطلاعیه عجیب بود ظاهر وزارت صمت چندان در این تصمیم گیری هانقشی ندارد و بانک مرکزی در این خصوص تصمیم گیر نهایی است. حسینی ادامه داد: هر چند طرح هایی برای حمایت از صادرات و ساماندهی واردات در دست است که صادرات را شامل پیش اظهار کند و بتواند بر روی صادرات برنامه ریزی داشته باشد و از آن طرف هم واردات را نظمت دهد و بی حساب و کتاب واردات انجام نشود اما باز هم شاهد این اتفاقات هستیم.



قابلیت تولید ۷۰ میلیون تن سیمان در کشور وجود دارد

با توجه به اینکه میزان مصرف داخلی ۶۵ میلیون تن در سال است، با پیش بینی تقاضای مصرف داخل کشور آمادگی لازم جهت تامین مصرف نیاز داخل را داریم تا به ۷۰ میلیون تن برسانیم. حمید فرمانی، رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان در گفت و گو با ایننا اظهار کرد: در سال گذشته کمی بیش از ۷۱ میلیون تن سیمان و حدود ۷۶ میلیون تن کlinker تولید شده است که ۱۱ درصد نسبت به سال ۱۴۰۱ افزایش تولید داشتیم. وی ادامه داد: در سال قبل میزان صادرات سیمان و کlinker حدود ۱۴/۵ میلیون تن بود که نسبت به سال ۱۴۰۱ شاهد رشد ۶ تا ۷ درصدی صادرات بودیم.